خلاصه جلسه گذشتته

اگر بیمار کرونایی از دنیا برود می توان او را در تابوت دفن کرد؟ یعنی جنازه درتابوت گذاشته می شود و تابوت را در زمین دفن می کنند. جواب اینکه می توان دفن کرد؛ ولی واجبات دفن باید رعایت شود. مانند اینکه میت رو به قبله باشد و صورت او بر تابوت گذاشته شود. اگر فقط در تابوت گذاشته شود بدون دفن آن و خاک بر آن نریزند جایز نیست در تابوت گذاشته شود چون در این صورت دفن صدق نمی کند.

گفتیم درمان بیمار کرونایی شیعه واجب کفایی است. اما غیر مسلمان و غیر شیعه بحث دیگر است. در واجب کفایی اگر من به الکفایه اقدام کردند، از دیگران ساقط می شود. و اگر من به الکفایه اقدام نکنند بر همه کسانی که می توانند درمان کنند واجب عینی می شود. در جلسه گذشته روایتی را از روضه کتاب کافی نقل کردیم و در این جلسه دوباره بررسی می کنیم. ج8 ص345

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ عُبَيْدِ اللّهِ الدِّهْقَانِ، عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ الْقَاسِمِ، عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ ، عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللّهِ عليه السلام، قَالَ: «كَانَ الْمَسِيحُ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ التَّارِكَ شِفَاءَ الْمَجْرُوحِ مِنْ جُرْحِهِ شَرِيكٌ لِجَارِحِهِ لَامَحَالَةَ، وَذلِكَ أَنَّ الْجَارِحَ أَرَادَ فَسَادَ الْمَجْرُوحِ، وَالتَّارِكَ لِإِشْفَائِهِ لَمْ يَشَأْ صَلَاحَهُ، فَإِذَا لَمْ يَشَأْ صَلَاحَهُ فَقَدْ شَاءَ فَسَادَهُ اضْطِرَاراً، فَكَذلِكَ لَا تُحَدِّثُوا بِالْحِكْمَةِ غَيْرَ أَهْلِهَا فَتَجْهَلُوا ، وَلَا تَمْنَعُوهَا أَهْلَهَا فَتَأْثَمُوا، وَلْيَكُنْ أَحَدُكُمْ بِمَنْزِلَةِ الطَّبِيبِ الْمُدَاوِي: إِنْ رَأى مَوْضِعاً لِدَوَائِهِ، وَإِلَّا أَمْسَكَ».[[1]](#footnote-1)

سند روایت

روایت دو سند دارد و هر دو سند اشکال دارد.

سند اول: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ عُبَيْدِ اللّهِ الدِّهْقَانِ، عَنْ عَبْدِ اللّهِ بْنِ الْقَاسِمِ، عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ ، عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ.

سند دوم: عن عدة من اصحابنا عن سهل بن زیاد عن عبید الله الدهقان عن عبد الله بن القاسم بن ابی نجران عن ابان بن تغلب.

اماسندی که در متن روضه کتاب کافی، عدة و سهل بن زیاد مشکلی ندارد. اما عبید الله الدهقان هیچ جا از عبد الله بن قاسم روایت ندارد مضافا به عدم توثیق آنها و فقط در همین روایت از عبد الله بن القاسم نقل کرده است. عبد الله بن قاسم نیز از عبد الرحمن بن ابی نجران اصلا روایت ندارد آری سهل بن زیاد زیاد از او روایت دارد. بنابراین واسطه بودن او بین سهل بن زیاد و عبد الرحمن بن ابی نجران بسیار غریب است. عمده کسانی که از ابن ابی نجران روایت می کنند عبارت از ابراهیم بن هاشم و احمد بن محمد بن عیسی و علی بن حسن بن فضال هستند همه اینها هم طبقه سهل بن زیاد هستند. نکته دیگر عبدالرحمن بن ابی تجران از اصحاب امام رضا علیه السلام وابان بن تغلب از اصحاب امام باقر علیه السلام که در زمان امام صادق علیه السلام از دنیا رفت. از جهت طبقه کسی که- عبد الرحمن بن ابی نجران- از اصحاب امام رضا علیه السلام نمی تواند از اصحاب امام باقر علیه السلام و پیرمرد اصحاب امام صادق علیه السلام روایت نقل کند. بنابر سند اول این اشکالات سندی وارد است. و سند دوم اشکالات بیشتری دارد. عبد الله بن قاسم بن ابی نجران مجهول است.

نکته ای درباره روضه کتاب کافی

روضه کافی بخاطر مشکلات سندی که در روایات روضه وجود دارد مانند اصول و فروع کتاب دارای جایگاه نیست. جناب کلینی متوجه این مطلب بوده است لذا روایات را در کتاب روضه که به معنی گلستان است جمع آوری کرده است یعنی کتاب روضه مانند اصول و فروع تبویب نشده است.

دلالت روایت

می فرماید اگر شخصی بتواند مجروح را درمان کند اما این کار را نکند و مرجوح بمیرد. بدون تردید این شخص با کسی که او را مجروج کرده است شریک است. چون جارح اراده مجروح کردن او را کرده و آن کس که می توانست او را درمان کند، خوب شدن او از جراحت را نخواسته است و در چنین صورتی در حقیقت فساد بیمار و تلف شدن او را خواسته است. بنابراین اگر پزشک بتواند بیمار را درمان کند اما او را رها کند و بیمرد در مرگ او شریک است؛ شرکت در مرگ جرم است. و نیز پرستار اگر می تواند مراقبت های لازم را از بیمار انجام بدهد بر او واجب است. التبه مسئولان اضافه بر وجوب درمان بیمار بر پزشک باید او را تجهیز کنند که بتواند بیماران را درمان کند مثلا لباس مخصوص و مانند آن در اختیار او قرار دهند.

وجوب خود کفایی کشور در امور پزشکی

تجهیز کشور در مسائل پزشکی واجب کفایی است. خداوند می فرماید: و اعدوا لهم ما استطاعتم من قوة و من رباط الخیل» در برابر دشمنان باید مجهز شد. آیه اطلاق دارد و شامل موارد نجات جان انسان ها می شود. در شرایط عادی کشور که مبتلا به چیزی مانند کرونا ویروس نشده است مسئولان مربوطه باید تهمیدات لازم را برای روز های سخت کشور را تجهیز و آماده کنند به عبارت دیگر در شرایط عادی باید امکانات پزشکی را فراهم کنند که در صورت شیوع بیماری بتوانند بیماران را درمان کنند. در تحف العقول می فرماید: لا يستغني أهل كلّ بلد عن ثلاثة، يفزع إليه في أمر دنياهم و آخرتهم، فإن عدموا ذلك كانوا همجاً: فقيه عالم ورع و أمير خير مطاع، و طبيب بصير ثقة‌.[[2]](#footnote-2) هر شهری نیازمتد سه گروه آدم است.

اگر سه گروه در هر شهر نباشند مردم آن شهر بهم می ریزند. یکی فقیه عالم با تقوا، دیگری، فرمانده ای حرف او را بشنوندو به طبیب مطمئن نیاز دارند بنابراین وجوب کفایی برای زمانی که بیماری جامعه گرفتار کرده، نیست.

الامام علي «ع»: يجب‏ على‏ الامام‏ أن‏ يحبس‏ الفسّاق من العلماء، و الجهّال من الاطبّاء، و المفاليس من الأكرياء[[3]](#footnote-3)

حاکم اسلامی باید علمای فاسق، و پزشکان جاهل و تخصص بایسته را ندارند باید زندانی کند.

و در مستدرک حاکم از پیامبر اکرم نقل می کند: من تتطبب و لم یعلم منه طبٌّ قبل ذالک فهو ضامن. [[4]](#footnote-4)کسی که در حالی علم پزشکی را نخوانده است، طبایت کند و حادثه بوجود بیاورد ضامن است. بنابراین درمان بیمار بر پزشکان و دیگر پرسنل واجب کفایی است.

1. [الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج8، ص345.](http://lib.eshia.ir/11005/8/345/لجارحه) [↑](#footnote-ref-1)
2. [تحف العقول، ابن شعبة الحراني، ج1، ص321.](http://lib.eshia.ir/15139/1/321/یستغنی) [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذيب الأحكام، شيخ الطائفة، ج6، ص319.](http://lib.eshia.ir/10083/6/319/الفساق) [↑](#footnote-ref-3)
4. [المستدرك على الصحيحين، الحاكم، أبو عبد الله، ج4، ص236.](http://lib.efatwa.ir/42119/4/236/ضامن) [↑](#footnote-ref-4)